

تجارت کثیف ۲۰۰ هزار میلیاردی با زباله ها (فارس) زباله مارکتینگ!

تجارت خانه ای دارم اساسی
تجارت می کنم میلیارد، میلیارد
مرا هرکس که دیده فکر کرده
که هستم فارغ التحصیل هاروارد
کلاس من حسابی رفته بالا
به قدر ششصد و هفتاد و شش یارد
درون خانه ام دارم دو استخر
کنار هریکی هم میز بیلیارد
به هرجا می روم فوری دم در
برایم نصب می گردد پلاکارد
نگو از سنتی ها، کهنگی ها
شدم دیگر طرف دار آوانگارد
نگو دیگر به من مشتکی غضنفر
صدایم کن از این پس آرد ریچارد!
نخوان فرزند من را هم غلومی
عوض شد دیگر اسمش، هست برنارد
شدم دیگر از این پس کله کنده!
و باشد دور تا دورم بادیگارد
همه هم هیکل آرنولد و راکي!
به دست هریکی باتومی و کارد!
کند هرکس نگاه چپ به بنده
برندش از کنارم با برانکارد!
تجارت می کنم، اما نه هرچیز
نه گوسی و برنج و پسته و آرد
زباله، مارکتینگم هست، اگرچه
کثیف است و پلشت است و وری هارد!
ولیکن بی خیالش، چون که پولم
رسد کم کم به همت یا تریارد
به قول شاعران عهد دیرین
کسی پول مرا نتوان که بشمارد

معرفی کتاب طنز

اشعار لسان العیب

کتاب مجموعه شعر طنز «لسان العیب»، اثر جدید
مجید رحمانی صانع، شاعر طنزپرداز خوب
کشورمان، منتشر شد. اشعار
طنز این مجموعه، گزیده ای از
سروده های ایشان در «پلخمون»
و برنامه های تلویزیونی با
قالب های متنوعی مانند دوبیتی،
رباعی، غزل یا شعر نو است.

پلخمون

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهرآرا
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: سیدمیشم موسوی مهر
سرمدیر: سیدسجاد طلوع هاشمی
دبیر: ضلیم؛ ارزنگ حاتم
دبیر پلخمون: مجتبی نخعی راد
صفحه آرایی: ملک جمعی

پیشاک: ۳۰۰۷۲۸۹

دریافت نسخه الکترونیک از: shahraranews.ir



در خبرها داشتیم رسم غلط تیراندازی در جشن عروسی این بار دو کودک را به کام
مرگ کشاند. از این رسوم ناپسند کم نداریم. همین سوگ و عزاداری، هنوز میت روی
زمین است، صاحب سوگ باید تصمیم بگیرد ناهار چی و کجا با چه رنگ نوشابه ای
بدهد که حرف درنیاورند. و گاه چنان پر و بالی به این رسوم می دهیم که چیزی
نمانده است خود مرحوم بگوید: «داداش کنسله، جمع کنین برین، نخواستیم!»

رسوم غلط:

این قسمت عزاداری

عجله برای رفتن و خلوت کردن دور قبر

بدو جانمونی.
رفتیم ها! غذا بیخ کرد.

جسارتا میت روی
زمین مونده ها.

رستوران بردن های آن چنانی

اولاد ناخلف بد چیزیه آقا. اصلا
می گن مرگ زودرس می آره.
بیخود دق نکرد مرحوم!

خدا یا مرز واسه
بچه هاش چیزی
کم نداشت. ولی
بچه هاش نکردن
یه رولت گوستی،
فستجون،
چیزی هم کنارش
سفارش بدن!

واسه تسلی خاطر بازماندگان
دیگه همه ش رو بذار باشه! سعی
می کنم بخورم که روح مرحوم
شاد بشه!

اجرای مراسم خیلی سوزناک

۱
خواب مرحوم رو دیدم توی یه دشت سبز
داشت درد می کشید و از تک تکتون کمک
می خواست! چرا کم واسه ش ناله می زنین!
آقا جمشید، مخصوصا شما...

۲
جمشید خان زار بز قشنگ.
زننی، مجبورم بزمنت!

اغراق در یاد مرحوم

۱
مرحوم دستش به
خیر بود، مدرسه
می ساخت.
یتیم خونه، خیریه،
بیمارستان...

۲
بابا که همیشه می گفت
دستش خالی! این داره دربار
بابای ما صحبت می کنه؟

همینه.
مرحوم دوست
داشته شاد
باشه. یایه ای
بریم وسط
شاد ترش کنیم؟

بیخشین مزاحم کنسرتون
می شیم، مجلس تعزیه رو همین جا
آدرس دادن نیست که!